

حرکت ملی آذربایجان جنوبی، جهانی شدن و امنیت ارتباطات

سانای اینام

Sanay.inam@gmail.com

هکیده

ارتباطات رکن اساسی هر جامعه بشری است. گسترش اخیر وسایل و ابزارهای ارتباط جمعی آگاهی ما را نسبت به اهمیت آن دوچندان کرده است. ارتباطات به منزله مایه اصلی زندگی هر جنبش سیاسی می باشد. بدون ارتباطات لازم نمی توان چنین جنبش ها را پیاده کرد و وحدت و همبستگی آن را حفظ نمود. باتوسعه نظام ارتباطی جهانی و جهانی شدن روز افزون مدرنیته در طول تاریخ، تغییرات اجتماعی در کشورهای مختلف جهان روز به روز افزایش یافته که جهان و جوامع موجود در آن را به سوی آزادی و دموکراتیزاسیون هدایت کرده است. انقلاب جهانی ارتباطات با افزایش روند مبادله اطلاعات با آگاهی توده ها با آشکار کردن تضاد های موجود در جوامع به خلق جنبش ها و ایجاد جوامع جدید با فروپاشی رژیم های دیکتاتوری کمک می کند، حرکت ملی آذربایجان جنوبی نیز از جمله جنبش هایی است که در فرآیند توسعه خود از این نظام ارتباطی جهانی یاری گرفته است.

نوشته حاضر به تاثیر جهانی شدن ارتباطات بر رژیم های توتالیتر و جنبش های قومی موجود در داخل چنین رژیم هایی با تکیه بر حرکت ملی آذربایجان جنوبی اشاره می کند و روشهایی که این رژیم های توتالیتر با تکیه بر رژیم حاکم بر ایران برای مقابله با این فرآیند جهانی برای حفظ موجودیت حاکمیت و قدرت خود اتخاذ می کنند بطور کلی به آنها پرداخته است. همچنین در بحث امنیت ارتباطات از اصل موضوع خارج شده و یکسری اصول ساده و مهم برای مقابله با نشت اطلاعات به درون سازمانهای اطلاعاتی رژیم ارائه کرده است که در جای خود می تواند برای مبارزین و فعالین سیاسی حرکت ملی سودمند باشد.

مقدمه

در دنیای کنونی داشتن اطلاعات و فن آوری ارتباطات به روز از ارکان اصلی توسعه و پیشرفت هر جامعه به شمار می رود. تمامی دولتها، جوامع، سازمانها، تشکیلاتها و اشخاص سیاسی تلاش و کوشش خود را معطوف به استفاده از آخرین فن آوری و تجهیزات و ابزار های پیشرفته موجود جهت جمع آوری اخبار و اطلاعات در حوزه مسئولیت های خویش می باشد. فرایند جهانی شدن به تغییر یا دگرگونی در سطح سازماندهی بشری اشاره دارد که جوامع دور را به یکدیگر مرتبط می سازد و دامنه دسترسی به اطلاعات و روابط قدرت را در سراسر مناطق جهان و قاره ها گسترش می دهد. با گسترش تکنولوژی ارتباطاتی و اطلاعاتی که هر روزه به رشد خود ادامه می دهد انسانها با دنیایی روبرو شده اند که تا آن زمان با آن ارتباطی نداشتند و اطلاعات آنها در مورد آن بسیار کم بود و اطلاعاتی را که داشتند بسته گریخته و با اغماض بیشتر از کتابها و سیاحت نامه ها بدست آورده بودند ولی حالا دیگر بعد مسافت اهمیت خود را در زندگی انسانها از دست داده است و انسانها به طور مداوم در سرتاسر گیتی از طریق رسانه ها و سامانه های ارتباط جمعی باهم در تماس مداوم می باشند که دیگر هیچ مسئله ای بی نصیب از عکس العمل و واکنش جهانی نخواهد بود. در سطح دولت نیز حتی قویترین آنها از تاثیر فرآیند جهانی شدن در امان نیستند. افزون بر اینکه دیگر ممکن نیست اجتماع سیاسی مبنی بر وحدت سرنوشت به طرز معنی داری در داخل مرزهای سیاسی یک دولت ملی واحد تجسم داشته باشد. بنابراین تصمیم گیری در باره اساسی ترین نیروها و فرآیند زندگی بشری از حیثه دولت های ملی خارج شده است که آن را ابرقدرتها سازمانهای بین المللی و فرا ملی و ... رقم می زنند.

انتشار و گسترش پرشتاب گرچه نابرابر تکنولوژی های ارتباطی و اطلاعاتی مثل رادیو، تلویزیون، ماهواره، فن آوری دیجیتالی و اینترنت ارتباط همزمان بین بخش های وسیعی از جهان را ممکن ساخته است که این به نوبه خود علاوه بر تاثیر گذاری بر اقتصاد، فرهنگ و سیاست، نابرابری ها و تبعیض بین جوامع مختلف را بیشتر آشکار کرده، باعث بروز تنش های سیاسی در اقصی نقاط جهان شده است. جنبش های آزادیبخش ملیتی و قومی نیز از این قاعده مستثنی نیست. این فرآیند با افزایش سطح مراودات و مبادلات، زمینه ساز بسط و گسترش آگاهی های قومی و هویتی شده و در نهایت باعث خلق تدریجی این جنبش ها در کشورهای چند ملیتی توتالیتر که ملیت های موجود تحت انقیاد و استعمار قوم مسلط می باشند، می شود. جنبش های قومی و مذهبی موجود در داخل مرزهای کشورهای مختلف مثل باسک ها در اسپانیا، کشمیریها در هند، کردها در ترکیه، عراق و ایران، ترکهای آذربایجان و عربها و بلوچها در ایران و دهها جنبشها ی مهم دیگر در کشورهای مختلف جهان می توان نام برد که با تاثیر پذیری از فرایند تکامل تصاعدی ارتباطات جهانی در طول تاریخ، نظم نوین جهانی کنونی را با چالش های جدی روبرو کرده است.

حرکت ملی آذربایجان جنوبی نیز مثل سایر جنبش های آزادیبخش قومی جهان از این فرصت پیش آمده بهره جسته که با افزایش توان و گستره فرا مرزی و جهانی خود مشروعیت داخلی و بین المللی حاکمیت توتالیتر رژیم شوونیستی ایران را به چالش طلبیده و توانسته ضربات سنگینی بر اساس حاکمیت رژیم که بر پایه افکار شوونیستی و فاشیستی بنیانگذاری شده است وارد آورد که دور از انتظار شوم دولتمردان و مخالفان حرکت بود.

رژیم های توتالیتر در جهان که در داخل مرزهای خود مواجه با این نوع جنبشها هستند و این جنبش ها را در تضاد با منافع قوه حاکم خود می بینند، سیاست در های بسته را در داخل مرزهای خود اتخاذ نموده اند که کنترل شدید بر ارتباطات و ابزارهای آن برای سرکوب و ازین بردن این جنبش ها از جمله آن تدابیر می باشد. سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی در این مورد مصداق موارد فوق می باشد. بنابر این با توجه به روند روبه رشد حرکت ملی آذر بایجان چه در داخل مرزهای ملی خود و چه در خارج از آنها که با اثر پذیری از توسعه ارتباطات و اطلاعات جهانی جهانشمول گردیده است و با توجه به محدودیت ها و کنترل شدید مزدوران رژیم بر فرآیند ارتباطی و اطلاعاتی حرکت ملی پیشگیری و مقابله با دسترسی سازمانهای جاسوسی و اطلاعاتی به اخبار و اطلاعات موجود در داخل گروهها، افراد و سازمانهای سیاسی موجود در داخل حرکت ملی بایستی سرلوحه اقدامات و فعالیت های فعالین حرکت ملی باشد. با توجه به این، نوشته حاضر ضمن آگاه سازی و هوشیاری مبارزین کم تجربه برای مقابله با اینچنین تهدیدات دشمن می تواند در کاهش ضرر و زیانها و هزینه های ناشی از نشت اطلاعات به داخل سازمانهای جاسوسی اطلاعاتی دشمن هر چند به صورت نسبی، موثر باشد و همچنین اطلاعاتی در مورد اثر فرآیند ارتباطات در عصر جهانی شدن بر روی جنبشهای ملی قومی در اختیار فعالین سیاسی حرکت ملی گذارد که ضمن امیدواری به آینده مبارزه ملی و تبدیل تهدیدها به فرصتها و استفاده صحیح از امکانات و منابع موجود در حرکت ملی، برای پیشبرد و ارتقا مبارزه به سمت اهداف اصلی آن تاثیر گذار باشد.

لازم به توضیح است که این مقاله فقط یک عامل تاثیر گذار بر حرکت ملی را در نظر گرفته و پژوهش در موردهای بعدی دیگر مجال دیگر می طلبد. همچنین این نوشته خالی از اشکال نبوده انتقاد همزمان و فعالین سیاسی باعث پر بارتر شدن این بحث خواهد شد.

ماهیت و آینده رژیم های توتالیتر در عصر ارتباطات جهانی

رژیم استبدادی رژیمی است که در آن دولت و فرد دیکتاتوری که در راس آن قرار دارد در مقابل ملت هیچگونه مسئولیت و تعهدی ندارد یعنی نظامی که در آن اساس حکومت بی قانونی می باشد. به این معنی که قوانین و مقررات موجود زمانی نافذند که مستبد کل و گماشتگان او صلاح خود را در آن بدانند. ممکن است هر قانون و ضابطه ای هر لحظه زیر پا گذاشته می شود و قانون دیگری جای آن را بگیرد. درست به همین دلیل است که اصطلاحات قانون و ضابطه در یک نظام توتالیتر معنایی ندارد.

رژیم جمهوری اسلامی ایران نمونه بارز یک رژیم ارتجاعی و توتالیتر در دنیا می باشد توسط یک رهبر دیکتاتور اداره شده و دستورات او وحی ملزم بوده مطلقاً بایستی اجرا شود و در صورت سرپیچی از این دستورات مجازات شدیدی در انتظار فرد یا افراد سرپیچی کننده خواهد بود. این حکومت دارای ایدئولوژی واحد شیعی است که همه آحاد جامعه بایستی به آن وفادار باشند. کنترل بر اقتصاد با ایجاد شبکه های مافیایی در داخل حکومت، کنترل بر ارتباطات و رسانه های همگانی مثل رادیو و تلویزیون که همگی تحت کنترل ولایت مطلقه فقیه می باشد، کنترل بر مطبوعات، چاپ و نشر کتاب هایی که با منعکس کردن واقعیت جامعه ایران و ماهیت حاکمیت آن موجب آگاهی مردم می شوند و کنترل تمام حوزه های عمومی و خصوصی زندگی مردم از مشخصه بارز این حکومت می باشد. همچنین رژیم دارای یک سیستم پلیسی اطلاعاتی تروریستی می باشد افرادی را که در نظر آنها دشمنان و مخالفان رژیم هستند، به سزای اعمال خود که شامل شکنجه، حبس های طولانی مدت، ترور و اعدام می باشد، می رساند.

در این رژیم ایدئولوژی حاکم ابزاری برای تامین منافع قوم مسلط می باشد که برای سیاستها و اعمال شوونیستی حاکمیت با سر پوش گذاشتن بر روی آن مشروعیت می بخشد. حاکمیت تمام منابع و امکانات خود را برای توسعه و پیشرفت ایدئولوژی شوونیستی پان فارسیسم به خدمت گرفته است. همه حقوق شهروندی اساساً در انحصار دولت فاشیستی قرار دارد، ملیت های ساکن تحت استعمار و استثمار این حاکمیت که با ایدئولوژی دینی در پی تامین منافع گروه خاص یا قوم حاکم می باشد و با توجه به این ملیت های غیر فارس و طبقات مختلف اجتماعی از دولت بیگانه بوده به زبان دیگر رژیم حاکم را از خود نمی دانند و اعتراضات و اعتصابات قومی و دانشجویی و نارضایتی شدید در بین توده مردم، نشانگر نداشتن مشروعیت قانونی رژیم در بین آحاد مردم و ماهیت استبدادی آن می باشد.

جهانی شدن با بسیاری از صورت های جدید وسایل ارتباطی که از مرزها فراتر می رود مردم جهان و سازمانها را به هم پیوند می دهند. انقلاب دیجیتالی میکروالکترونیک در فن آوری ارتباطی و اطلاعاتی عملاً منجر به پیوند های بی واسطه جهانی شده که در ترکیب با فن آوری تلفن، تلویزیون، ماهواره و حمل و نقل، ماهیت ارتباط سیاسی را تغییر داده است. توسعه نظام های ارتباطی جدید، جهانی می آفریند که در آن ویژگی های خاص مکانی و ویژگی های فردی و گروهی به طور مداوم از طریق شبکه های ارتباطی منطقه ای بازنمایی و تفسیر می شوند. گسترش سازمانهای بین المللی و فراملی و توسعه قوانین بین المللی و مکانیسم های حقوقی که بایستی تمامی دولت های دنیا به آن پایبند باشند - وگرنه در غیر این صورت انزوای جهانی و بین المللی را برای آن دولت به همراه خواهد داشت - همگی از این نظام های ارتباطی نیرو گرفته اند. این سازمانها به این نظامها به عنوان ابزاری برای پیشبرد اهداف خود وابسته اند که همراه با ابزارهای ارتباطی به عنوان گروههای فشار بین المللی بر روی دولتها عمل می نمایند که بسیاری از سیاستهای کنترلی ارتباطی و اطلاعاتی دولت های خود کامه را بی اثر کرده است. با توجه به این در عصر حاضر، سیاست جهانی نشان دهنده تغییر به سوی حکومت چند لایه منطقه ای و جهانی می باشد.

نظامهای ارتباطی جدید در حال تغییر شکل دادن به روابط میان موقعیت های فیزیکی و شرایط اجتماعی هستند و جغرافیای موقعیتی زندگی سیاسی و اجتماعی جوامع و انسانها را تغییر می دهند. در این شرایط پیوند سنتی میان موقعیت فیزیکی و موقعیت اجتماعی گسسته می شود در حالی که افراد و جوامع وقایع و تحولات در دوردستها را تجربه می کنند و بر مرزهای جغرافیایی غلبه حاصل می شود با توجه به این حوادث در یک بخش از جهان بر بخش دیگری تاثیر می گذارد. تظاهرات های ضد جنگ توسط دوستان صلح، جنبش سبزه ها یا حامیان محیط زیست، جنبش های رهایی زنان و ... که همزمان در کشور های مختلف در نتیجه اطلاع رسانی سازمانهای فراملی برپا می شود نتیجه استفاده این سازمانها از این ابزارهای ارتباطی برای پیشبرد اهداف خودشان می باشد.

جهانی شدن با ایجاد پیوند های ضخیم جهانی از تاثیر و مشروعیت صورت های هژمونیک دولتهای توتالیتر می کاهد افزایش فشار و محدودیت اعمال شده توسط گروههای فشار و سازمانهای بین المللی مثل شورای حقوق بشر سازمان ملل و شورای امنیت برای این دولتها سبب شده است تا با اعمال تحریم های شدید اقتصادی و تکنولوژیکی این گونه دولت ها را به تسلیم در برابر خواست های جهانی ترغیب کنند. محدودیت ها و تحریم های اعمال شده از طریق جامعه جهانی بر روی کشور ایران مطالب فوق را تایید می کند.

رسانه ها و وسایل ارتباط جمعی بخصوص اینترنت و ماهواره منجر به آگاهی از تنوع باور نکرندی در سبک های زندگی و سو گیری های ارزشی می شود. رسانه های ارتباطی با مقایسه جوامع مختلف بویژه جوامع دموکراتیک و توتالیتر باعث آشکار شدن تضادها می گردد و این به نوبه خود زمینه آگاهی نخبگان سیاسی و توده ها را فراهم آورده باعث فروپاشی این گونه رژیم ها در اثر تغییر انقلابی می گردد و باتکامل سریع تاریخی این فرایند بر تعداد حاکمیت های غیر دموکراتیک که در برابر خواست های جهانی سر تعظیم فرود می آورند افزوده می شود.

یکی از دلایل فروپاشی شوروی سابق جهانی شدن ارتباطات و مدرنیته غربی گسترش لیبرال دموکراسی غربی بود که این کشور با سیستم بسته ای که برای شهروندان بوجود آورده بود یارای مقاومت و مقابله با دموکراسی و آزادی را نداشت که نتیجه آن سقوط این امپراطوری توتالیتر در جهان بود.

رژیم شوونیستی ایران که بنیان های حکومت خود را در مقابل این انقلاب جهانی در تزلزل می بیند سیاست های انعطاف ناپذیر در های بسته را دنبال می کند. فیلترینگ سایت های اینترنتی، کنترل پست الکترونیکی خصوصی افراد، ایجاد پارازیت بر روی رادیو های کشور های دیگر، ممنوعیت و مجازات شدید بر استفاده کنندگان آنتن های ماهواره ای و ... از جمله این محدودیت ها می باشد. تحقیقات نشان داده است که در اکثر مواقع این محدودیت ها تاثیر عکس داشته و مقاومت شدیدی از طرف ملت و سوگیری شدیدی را از طرف کشور های دموکراتیک که اینگونه سیاست ها را در تضاد با منافع ارزشی و ایدئولوژیکی خود می بینند دارد که منجر به انزوای داخلی و بین المللی اینگونه حاکمیت ها خواهد شد. افزایش روز افزون کاربران شبکه اینترنت و استفاده از سایت های فیلتر شده با استفاده از فیلتر شکن ها یا پروکسی ها و همچنین ورود روزانه بیش از هزاران رسیور ماهواره ای از طریق قاچاق به کشور را که باعث پر شدن پشت بام خانه های شهری از این آنتن ها شده است می توان نمونه هایی از مقاومت مردم داخل کشور در مقابل این سیاست های قرون وسطایی رژیم نام برد که این نشانگر احساس نیاز به مدرنیته و جهانی شدن در میان مردم با افزایش سطح دانش و آگاهی می باشد.

ابزارهای سخت سنتی قدرت سیاسی، میلیتاریستی کردن حاکمیت و اعمال فشار و محدودیت ها بر شهروندان تاثیر محدودتری بر پویایی حاکمیت جهانی و همچنین سیستم های ارتباطی و اطلاعاتی نوین می گذارد. این امر همچنین فرصت های سیاسی جدیدی برای نیروهای اجتماعی و سیاسی ملی و فرا ملی می آفریند که می تواند منابع چشمگیری از قدرت نرم را برای ایجاد انقلاب نرم جهت براندازی نرم که در نتیجه توسعه ابزار و روشهای نوین ارتباطی و آگاهی تدریجی توده ها بوجود می آید برای تعقیب اهداف حاکمیت جهانی بسیج کند که نمودار ترسیم شده در چند سال آینده برای رژیم استبدادی ایران قابل تصور است که دلیل قانع کننده برای چنین ادعا می توان سر بر آوردن و توسعه یک سری جنبش های آزادیبخش قومی مثل حرکت ملی آذربایجان جنوبی، جبهه دموکراتیک خلق عرب، نهضت دموکراتیک مردمی بلوچستان، جنبش ملی و مذهبی فارس ها، انشقاق و چند دستگی در بین نیروهای حکومتی رژیم و ناراضیتهای عمومی مردم در اثر اعمال محدودیت ها و فشارهای اقتصادی را می توان نام برد.

این سیاست ها نه تنها در داخل کشور بلکه در سطوح جهانی و بین المللی نیز تاثیر عمیقی بر سست شدن پایه های حاکمیت این رژیم گذاشته است. رژیم که هر صدای مخالف را به تحریک عوامل خارجی بخصوص کشورهای غربی مثل آمریکا، انگلیس و اسرائیل نسبت می دهد و هر جنبشی که همسو با منافع نظام بین الملل جهانی است، برخورد امنیتی می کند که افزایش تعداد اعدای سیاسی، تهدید و ارباب شهروندان این رژیم را در زمره رژیم های سرکوب گر جهان قرار داده است. در چنین موقعیتی برای جمهوری اسلامی که به روش های گوناگون می کوشد تا چهره ای به شدت خشن از خود در سطح جهان به نمایش نگذارد و حتی مدعی رعایت حقوق بشر شود، بسیار شکننده خواهد بود و سبب انزوای کامل آن نه فقط در بین دولت ها بلکه در سطح افکار عمومی بین المللی و از جمله جهان اسلام خواهد شد که این رژیم را تهدیدی بر موجودیت جهانی قلمداد می کنند و این برای دولت ایران که دستگاه های امنیتی این رژیم با تکیه بر مفاهیمی مانند انقلاب مخملی و براندازی نرم و برخورد با کسانی که آنها را زمینه ساز این

تحركات می‌دانند، فقط شرایط داخلی ایران را بسته تر و جامعه بین المللی را علیه خود متحد تر می‌کنند و همچنین بدنامی بیش از اندازه در نقض حقوق اتباع خود، انواع مداخله بین المللی در امور آن را سهل و کم هزینه خواهد کرد.

تحلیل تاریخی گذار جوامع از حکومت های مطلقه و توتالیتر به حکومت های شبه دموکراتیک یا دموکراتیک، این امر را بر ما متشبه می کند که این گذار بعنوان گزینه ای ناب در بسیاری از جهان پذیرفته شده است و برای بسیاری از کشور های دیگر چه بصورت مسالمت آمیز یا انقلابی یا بصورت حمله نظامی توسط قدرت های تاثیر گذار بر فرآیند های جهانی در حال انجام است. دولت و حاکمیت دموکراتیک را امروزه اکثر جوامع و عمده ملل جهان بعنوان بهترین و مناسبترین حاکمیت برای اداره شهروندان و ملیت های ساکن در داخل مرزهای خود دانسته اند که گفتمان غالب فدرالیسم و لیبرال دموکراسی غربی در جهان امروز نمود این قضیه در جهان می باشد. گاهی بعضی از دول مثل رژیم ایران که در زمره دیکتاتورترین نظامهای حاضر در جهان قرار دارد علیرغم دوری و فاصله زیاد از دموکراسی و حقوق بشر برای نمایش سیمای مناسب از خود را در چهار چوب دموکراسی به جهانیان معرفی می کنند و این اعتراف چنین رژیم هایی به فرآیند دموکراتیزاسیون جوامع در عصر جدید و جهانی شدن دموکراسی می باشد و نشانگر ضعف این حکومت ها برای مقابله با این روند جهانی می باشد که موج های آن بتدریج این چنین حکومت ها را یکی پس از دیگری در کام خود فرو خواهد برد.

در نتیجه جهانی شدن سیاست و نظام بین الملل که هدفش باز سازی نظم نوین جهانی از طریق دموکراتیک کردن دولت ها و ایجاد جامعه های همگن مدنی بر اساس قومیت واحد و گسترش و افزایش اعمال نفوذ سازمانهای بین المللی برای تصمیم گیری دولتها می باشد که این عامل در رژیم های توتالیتر مثل ایران منجر به خلق و توسعه جنبش های انقلابی دموکراتیک قومی، طبقاتی و جنسیتی کمک کرده که در کوتاه مدت منجر به تغییر رژیم از پایین به بالا خواهد شد که آزادی و عدالت را اگر بطور نسبی هم باشد برای طبقات وقشرهای جامعه ایران و ملیت های موجود در داخل مرزهای تحمیلی این کشور به ارمغان خواهد آورد. اذعان اخیر وزیر اطلاعات رژیم که تظاهرات و تجمع های اعتراض آمیز جنبش های قومی مثل ۱ خرداد ۱۳۸۵ آذربایجان جنوبی که در تاریخ ایران بی سابقه بوده و بدنبال آن دستگیری های شدید و زندانی کردن فعالین حرکت در سالگرد این انقلاب و فعالیت های انقلابی سایر قشر ها و طبقات اجتماعی را به دست های خارجی نسبت داده است، در حقیقت بازتابی از غلبه یافتن تئوری انقلاب نرم بر کل نظام سیاسی ایران به جای تحلیل دقیق و موردی ریشه های هر یک از مسائل فوق است. گذشته از این، بیم یک حکومت از براندازی نرم، در عصر حاضر به جای آنکه به عنوان یک نگرانی امنیتی موجه تلقی شود، نقطه ضعف آن حکومت را آشکار می کند. مسلما دولتی که نماینده اکثریت مردم کشور خود است و وفاداری آنها را پشت سر خود دارد، دلیلی برای ترس از این نوع انقلابات ندارد، چرا که انقلاب در جایی رخ می دهد که اکثریت مردم امکان پیگیری تقاضاهای قانونی خود را ندارند و با تظاهرات های اعتراض آمیز، اعتصابات و خشونت حاکمیت را به تسلیم در برابر خواست های خود وا می دارند.

در واقع، اصرار دستگاه های امنیتی ایران بر اینکه جنبش های قومی، طبقاتی و جنسیتی که همسو با فرآیند ارتباطات جهانی در پیشروی سریع برای تحقق اهداف خود می باشند، بزرگترین تهدید علیه نظام است، اعتراف نا خواسته به ناراضی بودن اکثریت جامعه از وضع موجود می باشد. که این ناراضی در اثر آگاهی نخبگان و مردم عادی جامعه در اثر انقلاب ارتباطات و فن آوری اطلاعات جهانی که باعث عیان شدن تبعیضها و تضادها در میان ملیت ها، طبقات و قشرهای مختلف در داخل یک جامعه و در بین جوامع مختلف دنیا شده، تشدید یافته است که یکی از شرایط لازم برای تغییر این گونه رژیم های توتالیتر و غیر دموکراتیک به رژیم های دموکراتیک در اثر تغییر انقلابی می باشد. در نتیجه، این فرآیند جهانی بعنوان کاتالیزور واکنش توده ها اعم از ملیت های مختلف، طبقات، جنسیت و... در برابر این گونه حاکمیت ها را برانگیخته و شدت می بخشد.

مرکت ملی آذربایجان و عصر ارتباطات

شبکه های الکترونیکی جدید فن آوری ارتباطی و اطلاعاتی که اکنون جهان را فرا گرفته به تقویت و تجدید حیات صورت ها و منابع سنتی زندگی ملی کمک می کند و نفوذ و تاثیر آنها را افزایش می دهد. این شبکه ها امکان تعامل بیشتر و شدیدتر میان اعضای جماعتی را فراهم می آورد که ویژگی فرهنگی مشترکی بویژه زبان دارند و این امر نیروی محرکه تازه ای برای ظهور مجدد اجتماعات ملیتی جدید و ملی گرایی آنها را فراهم می آورد. این ابزارهای ارتباطی با کاهش انزوایی فرهنگی باعث افزایش آگاهی قومیتها و ملیتهای مختلف در درون مرزهای یک کشور در مقابل تمایز خود با سایر گروهها شده است. ارتباطات نه تنها در تحرک اجتماعی و فرآیند شکل گیری ملت ها بلکه در تقویت آگاهی قومی و تبعیضی که بر آنها روا داشته شده است نقش انکار ناپذیر دارد.

امروزه موفقیت جنبشهای استقلال طلب قومی در قسمتی از جهان می تواند محرک جنبش های قومی در نقاط دیگر شود. در اثر انقلاب ارتباطات درچنین جوامعی گروههای قومی با یکدیگر در ارتباط و تعامل بوده تجربیات و اطلاعاتی در خصوص نحوه پیشبرد این حرکتها باهم مبادله می کنند و در صورت لزوم مانند گروههای فشار بر روی دشمن مشترک عمل نموده و از حقوق همدیگر دفاع می نمایند. در این باره می توان به همکاری و تعامل تشکیلات های سیاسی حرکت ملی آذر با ایجان جنوبی مثل گاموح با تشکیلات های سیاسی سایر ملیت ها مثل عربهای عربستان (خوزستان) و بلوچستان غربی و کردها در خارج از کشور اشاره نمود که همگی از جهانی شدن مدرنیته و ارتباطات نیرو گرفته اند.

جهانی شدن مدرنیته باعث باز سازی فضا و زمان شده است یعنی منجر به کاهش زمان و کوچک شدن فضا انجامیده است. در این شرایط جهانی مرزها نفوذ پذیر می شود و منابع و شرایط لازم برای هویت سازی و معنا یابی سنتی از بین می رود و بحران هویت و معنا ایجاد می شود و در نتیجه این قومیت یا ملیت مثل ملیت ترک آذربایجانی به بازسازی مجدد هویت دست می زند. در اینجا به دو فاز عمل می شود. نخست از طریق منابع و شیوه های سنتی باز سازی می شود در اینجا با خاص گرایی فرهنگی یا بنیاد گرایی فرهنگی ارتباط پیدا می کند که در واقع واکنش به بحران هویت می باشد که امواج جهانی شدن خاص گرایی فرهنگی و احساس تعلق به هویت ترکی را تقویت کرده است. درفاز دوم از طریق منابع و شیوه های مدرن تمدن سازی انجام می گیرد که باعث می شود ضمن اینکه که ترک آذربایجانی متعلق به سرزمین آذربایجان و فرهنگ آذربایجانی است در کنار آن می خواهد با مدرنیته متحول شده و جهانی بشود. در واقع ترکیب وادغام این دو یک مجموعه جدید است مجموعه ای که از پیش وجود نداشته است در این ترکیب هم فرهنگ ملی وجود دارد و هم مدرنیته اما هر دوی آنها در یک فضای جدید در یک آرایش جدید شکل می گیرند.

بسیاری از تشکیلاتهای موجود در حرکت ملی آذربایجان جنوبی که برای خوشبختی و آزادی این سرزمین در عصر مدرنیته جهانی مبارزه می کنند اصولی را در مرامنامه خود گنجانده اند که تداعی ترکیب دو فاز بالا می باشد. تشکیلات گاموح که مطرح ترین سازمان سیاسی در آذربایجان جنوبی در داخل و جهان می باشد با پایبندی به سه اصل و تفکر مهم مبارزه خود را ادامه می دهد. که آنها عبارتند از:

۱. تورکچولوک (ترک گرایی) یعنی اعتقاد به فرهنگ زبان و تاریخ ترک آذربایجان و حفظ آن در برابر هجوم تبلیغاتی فرهنگ های بیگانه که این مورد به اول همان خاص گرایی فرهنگی اشاره دارد.
۲. چاغداشلیق (مدرنیته): حرکت و پیشرفت با مدرنیته جهانی باعث پایداری جوامع و سازمانها می شود. بنابراین این اصل نمود استفاده از شیوه های مدرن در زندگی اجتماعی و مبارزات سیاسی یعنی ایجاد تغییر و تحول در جامعه با جهانی شدن مدرنیته می باشد

۳. اینانج اوزگورلویو (آزادی عقیده) که اساسی ترین اصل لیبرالیسم و یکی از شرطهای لازم و مهم برای ایجاد سیستم مبتنی بر دموکراسی در جوامع بشری می باشد. این مورد گفتمان غالب دموکراسی در تمامی کشورهای دموکراتیک جهان می باشد. این اصل را می توان همراه اصل دوم به فاز دوم یعنی عام گرایی فرهنگی و متحول شدن با مدرنیته جهانی ارتباط داد.

تحقیقات نشان داده است که در بین نخبگان آگاه و اکثر مردم آذربایجان جنوبی با ضریب همبستگی ۹۷/۹ درصد خود را ترک دانسته و متعلق به آذربایجان می دانند با توجه به این نتیجه گیری می شود که تعلق به هویت ترک در این ملت بالاست و ملت آذربایجان جنوبی در نتیجه جهانی شدن مدرنیته خاص گرایی فرهنگی خود را تقویت کرده است که اولاً معتقد به اتحاد با آذربایجان شمالی هستند . ثانیاً به ایجاد دولت مستقل معتقد هستند که می خواهند با ایجاد دولت مستقل به خود به عنوان عضوی از خانواده جهانی رسمیت بدهند. با ضریب همبستگی ۸۵/۹ درصد بعد از آذربایجانی بودن خود را جهانی می دانند یعنی اینکه ترک آذری بودن ، با جهانی شدن اندیشه و سبک زندگی جهانی تنافر ندارد و انسان ترک آذربایجانی ضمن پذیرش اندیشه ها و سبک زندگی جهانی تلاش می کند ، در آن مستحیل نشده و از طریق نگهداشت هویت ترکی خود به جهانی شدن راه یابد . که موضوع نه در تقابل بلکه در تعامل با جهانی شدن قرار می گیرد و با کمترین ضریب همبستگی ۸۳/۲ درصد خود را در چهارچوب هویت و مرزهای ایران قلمداد می کنند که نسبت به دو مورد قبلی در سطوح پایین تری قرار گرفته است [منبع شماره ۵].

در نتیجه گیری می توان گفت که گرایش به جهانی شدن جایگاه ملیت را به عنوان چهارچوب اصلی همبستگی جمعی به طور بنیادی تضعیف نکرده است بلکه به سست شدن روابط بین قومیت ترک و دولت مرکزی کمک کرده است. ترکهای آذربایجان معتقدند که عملکرد فارسها در طول تاریخ چه بعد و چه قبل از انقلاب در مورد آنها منفی بوده است آنها اعتقاد به ظلم فارسها به آذربایجانیها در طول تاریخ هستند که منجر به نارضایتی شدیدی در آذربایجان جنوبی شده است. با توجه به مطالب فوق جهانی شدن ضمن آگاهی قومی در بین آذربایجانی ها به واگرایی بین قوم فارس و قوم ترک در ایران کمک کرده است که قیام های خیابانی و تظاهرات و تجمعات اعتراض آمیز ملت آذربایجان بر علیه رژیم شوونیستی فارس نشانگر این واقعیت است.

قرن بیست و یکم جابجایی بستر های منازعات قومی از قلمرو جغرافیایی به قلمرو ارتباطات جهانی می باشد. بنابراین جهانی شدن از تاثیرات ژئوپلیتیک بر فرآیند جنبش های قومی می کاهد. ایدئولوژی ناسیونالیسم ترک حاضر در آذربایجان جنوبی و جنبش مختص به آن، حرکت ملی آذربایجان جنوبی، محصول جهانی شدن مدرنیته و عصر ارتباطات می باشد. زمانی در جامعه بسته آذربایجان نمادها و سمبل های وحدت و انسجام ملت ترک آذربایجان از طریق مناسک و روابط فردی بین افراد و گروههای کوچک محفلی مثل قهوه خانه ها، محفل ها و شب شعر های خانگی - هنوز هم در بعضی از شهرهای بزرگ و کوچک، بحث و جدل در بین مدعیان سنتی حرکت ملی در قهوه خانه ها و شب شعرهای خانگی رایج است - و فعالین بیشتر در زمینه ادبیات آذربایجان فعال بودند و این کار بیشتر توسط فعالین جریانات چپ ارائه می شد که نگرش منفی آنها به هویت ترک که تحت تاثیر تبلیغات منفی اردوگاه کمونیسم و شوونیست های فارس قرار داشتند مانع از ارتقا ناسیونالیسم ترک در بین ملت آذربایجان می شد و البته این فعالین به علت تبلیغات منفی روحانیون و حاکمیت وقت بر روی این گروهها و عدم انطباق شیوه مبارزه این جریانات با واقعیت های جامعه نتوانستند تاثیر عمیقی روی توده ها بگذارند و اکثر فعالین غیر چپ گرا نیز غرق در رمانتیسم ادبی بوده و بصورت فردی فعالیت می کردند. - الان هم کم نیستند چنین افرادی رمانتیک که با فرا تشکیلاتی خواندن خود و آشنا نبودن با شیوه های مبارزه در عصر کنونی ضربه هنگفتی را بر پیکره حرکت وارد می سازند- با فرایند مدرنیزاسیون و انقلاب جهانی ارتباطات و اطلاعات این نمادها و سمبل ها به وسایل ارتباط جمعی واگذار شد. خوشبختانه بر تعداد مبارزینی که با تکیه بر اصول رئالیسم در مبارزه ملی و با بهره گیری از فرصت های موجود در عصر جهانی شدن باعث توسعه و جهانگیر شدن حرکت ملی آذربایجان جنوبی می شوند روز بروز افزوده می شود. این در نتیجه کاهش زمان و کوچک شدن مکان و توسعه آگاهی ها در مورد تضادها و تبعیض هایی که بر علیه من توسط غیر من صورت می گیرد که یک نوع سازوکار دفاعی در برابر تهاجم وستم غیر من است.

با انقلاب جهانی ارتباطات سازمان های غیر دولتی (NGO) ، تشکیلاتها و روشنفکران و فعالین سیاسی در حرکت ملی راههای جدید و موثری برای سازماندهی در داخل مرزهای ملی آذربایجان جنوبی و مشارکت در امور جهانی پیدا کرده اند. این امر همچنین فرصت های سیاسی جدیدی را برای نیروهای سیاسی جامعه آذربایجان فراهم می آورد که می تواند منابع چشمگیری از قدرت نرم را برای تعقیب اهداف حرکت ملی بسیج کند.

حرکت ملی آذربایجان همگام با سایر جنبش های هویت طلب در ایران و جهان در چهارچوب قوانین دموکراتیک بین المللی مبارزه خود را پیش برده و با گسترش فن آوری ارتباطات که یک نوع آگاهی سیاسی جهانی را شکل می دهد. تعهد به حقوق بشر به عنوان لازمه شرافت و منزلت این جنبش شناخته شده که از حمایت گروههایی مثل سازمان عفو بین الملل و دیدبان حقوق بشر سازمان ملل برخوردار است. دفاع از حقوق زندانیان سیاسی حرکت ملی آذربایجان توسط این سازمانهای بین المللی ناشی از جهانی شدن جنبش های سیاسی می باشد که نشانگر این است که تعیین سرنوشت ملیت ها و قومیت های مختلف از تصمیم گیری دولت ها خارج شده است. امروزه نامه های الکترونیکی فعالین سر شناس حقوق بشر صدای حق طلبانه ملت آذر بایجان را در نتیجه فشرده شدن زمان و مکان به گوش مجامع بین المللی می رسانند.

سفر دکتر محمود علی چهرگانی رهبر حرکت ملی آذربایجان جنوبی در سال ۲۰۰۱ میلادی نقطه عطفی در جهانی شدن حرکت ملی می باشد. صد ها مصاحبه با کانالهای تلویزیونی کشور های مختلف جهان بویژه کشور های خویشاوند ترکیه و آذربایجان شمالی و مطبوعات معتبر جهان، صدها ملاقات و مذاکره با سران احزاب و مقامات رسمی قدرت های تاثیر گذار بر فرآیند های جهانی بویژه مقامات کاخ سفید و پنتاگون و اتحادیه اروپا که با تکیه بر اصول دموکراتیک و پایبندی به قوانین حقوق بشر، مجامع بین المللی و قدرت های اثر بخش بر تحولات جهانی بویژه آمریکا را با اصول و استراتژی حرکت ملی آشنا کرد که این رسالت بزرگ تاریخی در حال حاضر هم ادامه دارد. فعالیت چهرگانی بخش های مهم مقالات و پژوهش های معتبر بین المللی را که در زمینه شرایط اقوام در ایران نوشته شده است به خود اختصاص داده است. در مقابل، رژیم با بسیج تمامی منابع سعی در تخریب این شخصیت تاریخی نموده و حتی اخیرا با فشار بر دولت ترکیه و آذربایجان شمالی موجب دیپورت ایشان از سرزمین اجدادی خویش شد. ولی بحران مشروعیت رژیم در داخل و مجامع بین المللی این نوع تبلیغات منفی بر علیه ایشان را بی اثر کرده است.

عضویت جامعه آذربایجان جنوبی در سازمان ملیت ها و ملل بدون نماینده (UNPO) نشان از گسترش حرکت ملی آذر بایجان فراتر از گستره مرزهای ملی و جهانشمولی آن می باشد که در نتیجه تلاش بی وقفه فعالین سیاسی داخل بدست آمده که در این عصر ارتباطات با نمایش قدرت مبارزه خود که نمونه بارز آن تجمع میلیونی مردم آذربایجان در قلعه بابک و به احتزاز در آمدن پرچم مقدس آذربایجان جنوبی به دست صدها تن از مبارزین و قیام های خرداد ۱۳۸۵ که دهها شهید و بیش از هزار زندانی سیاسی تقدیم این مرز و بوم کردند، آذربایجان جنوبی و جنبش آزادیبخش متعلق به این خاک و بوم را جهانی کردند. در کنار تلاش و مبارزه این مبارزین نستوه، فعالین سیاسی خارج بخصوص رهبر حرکت ملی با تلاش و جدیت تمام در تحقق این مسئله مهم کوشیدند. تا اینکه آذربایجان جنوبی در اوایل سال ۲۰۰۷ میلادی با نمایندگی تشکیلات گاموح به عضویت این سازمان بین المللی در آمد که اعضای آن مردمان بومی کشورهای اشغال شده و ایالات مستقل یا سرزمین هایی است که برای حفاظت از حقوق انسانی و فرهنگی شان، حفظ محیط شان و پیدا کردن راههای غیر خشونت آمیز برای درگیریهایی که آنها را تحت تاثیر قرار می دهد گرد هم آمده اند. این سازمان برای اعضای خود دیوانخانه مشروع و ثابت بین المللی ایجاد کرده و در چهار چوب قانون بین المللی حق تعیین سرنوشت برای ملیت ها فعالیت می کند و اعضای خود را در مشارکت موثر در سطح بین المللی و جهانی یاری می رساند.

یکی دیگر از موفقیت های که حرکت ملی در اثر فرآیند جهانی سازی کسب کرده است توسعه و گسترش تشکیلات های خود به خارج از مرزهای ملی می باشد. در این مورد می توان به تشکیلات گاموح اشاره کرد که نزدیک به بیست نمایندگی در کشورهای مختلف غربی بخصوص آمریکا، کانادا و اروپا دایر کرده است که اعضای آن شامل اعضا و فعالین سابق تشکیلات های چپ و نیز افرادی است که در داخل، اعضای گاموح بودند و تحت فشار رژیم با کمک سازمان ملل به این کشورها پناهنده شده اند. در کنار هر آنچه که در نتیجه فعالیت مبارزین حرکت در داخل مرزها رخ می دهد مثل میتینگ های اعتراض آمیز و سیاسی، مناسبت ها، دستگیریها و ... فعالین خارج با تظاهرات آرام و دموکراتیک در مقابل دفاتر سازمانهای بین المللی بخصوص سازمان ملل و دفاتر سفارت های رژیم در کشورهای مختلف، محکومیت و انزجار خود را از این رژیم فاشیستی به گوش نودوستان جهان می رسانند. ارتباط با سازمان های بین المللی مثل سازمان عفو بین الملل به منظور فشار آوردن به رژیم نیز در زمره فعالیت های این تشکیلات می باشد. اگر چه این تشکیلات بزرگترین و قویترین تشکیلات سیاسی در بین تشکیلات های موجود در حرکت ملی می باشد متأسفانه این تشکیلات به نوبه خود دچار ضعف هایی نیز می باشد که نداشتن درک درست از شیوه های مبارزه، خود بزرگ بینی و نداشتن تساهل در بین اعضای این تشکیلات، ضعف عضو گیری، نداشتن ارتباط مداوم و منسجم با فعالین داخل این تشکیلات، گوش فرا ندادن به پیشنهادات اعضای داخل و انجام یکسری اعمال خود سرانه در بین اعضا، ضعف اطلاع رسانی بخصوص کم شدن فعالیت سایتهای اینترنتی مربوط به این تشکیلات و مواردی از این قبیل می توان اشاره کرد.

همچنین یکی دیگر از پتانسیل های حرکت ملی در عرصه جهانی ایجاد شبکه تلویزیونی GünAz TV در آمریکاست. که توسط عده از هواداران و اعضا سابق مجاهدین خلق و تشکیلات های چپ ایرانی اداره می شود گرچه این تلویزیون به علت جدید بودن نقش مهمی در بیداری مردم آذربایجان ایفا کرد. ولی متأسفانه بی تجربگی، ضعف های شخصیتی، نبود درک صحیح از ماهیت مبارزه ملی، نداشتن تخصص در زمینه رادیو تلویزیون و ترجیح دادن نیازهای شخصیتی به منافع حرکت ملی در این رسانه باعث شد که با گذشت زمان جو تخریب شخصیت های حرکت ملی، دگماتیسم، مونوپولیسم، بی منطقی، غیر علمی و تکراری بودن برنامه ها فضای این پتانسیل بزرگ را فرا بگیرد و باعث دلسردی و ناامیدی مردم آذربایجان جنوبی و مخاطبان این رسانه از حرکت ملی بشود. استفاده نادرست و به دور از واقع گرایی از منابع برای پیشبرد مبارزه نه تنها دست آوردی عاید حرکت نمی کند بلکه به دشمن این امکان را می دهد که با شناخت و مطالعه صحیح و علمی توانایی ها و محدودیت ها و آسیب پذیری های حرکت ملی که بدست خود مبارزین ناآگاه در اختیار دشمن قرار می دهند تصمیم گیری منطقی برای سرکوب و از بین بردن حرکت ملی و فعالین آن اتخاذ کند.

ایجاد دهها سایت و گروههای اینترنتی، دهها نشریه و چاپ انواع مختلف در باره حرکت، ایجاد کانونها، انجمنها و کمیته های دفاع از حقوق فعالین حرکت ملی در داخل و خارج آذربایجان جنوبی که تعداد آنها با گذشت زمان با تاثیر پذیری از فرایند انقلاب ارتباطات و اطلاعات جهانی به صورت تصاعدی در حال افزایش است، گواه بر توسعه و قدرتمند شدن حرکت ملی در سطح حاکمیت جهانی است که می رود مطالبات خود را در چهارچوب قانون حق تعیین سرنوشت برای ملل با پشتیبانی سازمانهای بین المللی، فراتر از مرزها و بازیهای کوتاه فکرا نه دلالتان موجود در حرکت ملی که با لباس افراد فرا تشکیلاتی ظاهر می شوند در نظم نوین جهانی کنونی قانونی کند و مبارزه را تا آن روزی که آذر بایجان جنوبی به عنوان عضوی مستقل از اعضای جامعه جهانی در سازمان ملل درآید با رژیم شوونیستی فارس ادامه خواهد داد که این دور از واقعیت نیست. همچنانکه در اواخر قرن بیستم با نابودی همه امپراطوری های بزرگ - امپراطوریهای اروپایی و آمریکایی - و سرانجام امپراطوری شوروی که بسیاری از ملیت های موجود در آن سرانجام توانستند به عنوان جامعه مستقل به جامعه دولت ها بپیوندند. بطوریکه در سال ۱۹۵۰ میلادی جهان دارای ۵۴ دولت به رسمیت شناخته بود و در فاصله سالهای ۱۹۴۵ و اواخر دهه ۱۹۹۰ تعداد دولت هایی که از نظر بین المللی به رسمیت شناخته شدند به بیش از ۱۹۲ کشور رسیده است. با این وضعیت پیش آمده نظام دولت های ملی مدرن در انتهای قرن ۲۰ به اوج خود رسید و گسترش چند جانبه جدیدی از هماهنگی و همکاری بین المللی در سازمانهای بین المللی مثل سازمان ملل و مکانیزم های نظارتی بین المللی از جمله نظام جهانشمول حقوق بشر آن

را تقویت کرد. بنابراین در قرن بیستم ارتقای انقلاب ارتباطات و تکنولوژی اطلاعات به ایجاد دولت های ملی کمک کرده است و روز بروز بر تعداد واحدهای ملی مستقل و همگن که بر اساس ملیت واحد شکل می گیرد، افزوده می شود.

در اثر اثرات متقابل جهانی شدن و آگاهی قومیت ها قرن ۲۱ قرن عرصه جنبش های آزادیبخش قومی خواهد بود. کسانی چون برژینسکی مشاور اسبق کاخ سفید معتقد است که در آینده شاهد شکل گیری حدود ۴۰۰ واحد سیاسی در جهان خواهیم بود که بر محور قومیت ها و فرقه های مختلف بوجود آمده اند. در حال حاضر گروههای قومی نژادی تصور می کنند تشکیل دولت های مستقل جدید که احیاگر اصل حق تعیین سرنوشت است یک راه حل دست یافتنی است. استقلال جمهوری های شوروی سابق، تجزیه یوگسلاوی به ۵ کشور جدید، دونیم شدن چکسلواکی سابق، مبارزه موفقیت آمیز اریتره برای جدایی از اتیوپی و اخیرا استقلال مونتو نگر و از صربستان همگی انگیزه تازه ای به قومیت ها در جستجوی یک دولت قومی بخشیده است. ارتباطات و جهانی شدن در کشورهای چند ملیتی و غیر دموکراتیک مثل ایران، ترکیه، چین و ... که در آنها یک گروه قومی مسلط بر سایر قومیت ها حکم می راند که قوم حاکم در حکم ارباب و سایر اقوام در حکم رعایا می باشند، باعث آشکار شدن بیشتر تعارض ها و تبعیض ها و فوران جنبش های قومی شده است، که می رود در نظم نوین جهانی کنونی پایه های خود را مستحکم کنند. در چنین جوامعی که به خواست های گروهی در قالب دولت دموکراتیک پاسخ داده نمی شود در آینده با فشار نظام بین الملل اگر نتواند این چنین دولت های غیر دموکراتیک را به پذیرش اقداماتی برای رفع تبعیض و حرکت به سوی دموکراتیزاسیون در قالب فدرالیسم متقاعد کند، نتیجه اش جزء پاره پاره شدن کشورهای چند قومیتی غیر دموکراتیک به چند کشور تک ملیتی مستقل در آینده چیزی دیگر نخواهد بود.

در آینده نه چندان دور برای بازسازی نظم نوین جهانی بر اساس افزایش تعداد واحدهای سیاسی به کمک مبارزه جنبش های آزادیبخش قومی و فرآیند جهانی شدن در جهت استقلال و خود مختاری که خواسته بسیاری از گروههای قومی در جهان می باشد، گامهای اساسی بر داشته خواهد شد. این وضعیت پیش بینی شده در چندین سال آینده در ۶۰ کشور جهان که کانون بحرانهای قومی در جهان هستند و قومیت های فعال در جستجوی استقلال در این کشور ها توسط موسسات بین المللی شناسایی شده اند، قابل تصور است. کشور غیر دموکراتیک ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست، واگرایی و منازعات شدیدی که الان در کشور ایران بین قوم حاکم فارس و سایر قومیت ها در جریان است و روز بروز به دشمنی عمیق بین آنها می انجامد، که در نتیجه، سامان بخشیدن به چنین جامعه ای به شکل موفقیت آمیزی در یک چهار چوب دموکراتیک، با توجه به خواست های گروههای قومی از یک طرف و تفکرات استعماری و فاشیستی قوم حاکم از طرفی دیگر ناکام خواهد ماند. بنا به نظر هانتینگتون متفکر سیاسی آمریکا وقتی گروههای قومی با دشمنی عمیق نمی توانند در کنار همدیگر زندگی کنند هیچ راه چاره ای جز تلاش برای استقلال ندارند. باتوجه به مطالب فوق می توان نتیجه گرفت که در آینده تجزیه ایران به ۵ کشور با این وضعیت داخلی، شرایط جهانی و گفتمان مسلط حاکم بر نظام بین الملل محتمل بوده که آذربایجان جنوبی نیز یکی از این کشور های مستقل خواهد بود.

امنیت ارتباطات و حرکت ملی آذربایجان

آشکار است که طی ۵۰ سال گذشته، جهان رشد فزاینده میزان ارتباطات بین المللی را به خود دیده است از جمله این موارد می توان رادیو، تلویزیون، ماهواره، مسافرت های ارزان هوایی، ارتباطات تلفنی ارزان از طریق فیبر های نوری، تلفن های موبایل، E-Mail و اینترنت را می توان نام برد. رشد فزاینده این ابزارهای ارتباطی که هم از لحاظ کیفی و کمی صدها برابر ارتقا پیدا کرده است باعث سر بر آوردن جنبش های ضد استعماری و آزادیبخش قومی در سراسر جهان شده که اهداف مبارزه آنها، آزادی جامعه ملی خود از یوغ استعمار خارجی و داخلی و مدرنیزاسیون جامعه بومی خود است.

با گسترش این سیستم ها اگر چه مرزهای این حاکمیت ها در دهه های اخیر نفوذ پذیر شده اند اما این ابزارهای ارتباط جمعی موجب از رده خارج شدن مرزبندی ها و از میان رفتن کنترل های تنظیمی و نظارتی اینگونه دولت ها نشده است. شواهد زیادی در دست است که این گونه دولت ها قدرت شان را بر جریان اطلاعات و کنترل ارتباطات غالبا از طریق توافق نامه ها و پیمان های چند جانبه با دولت های دیگر افزایش داده اند. و همچنین با کشور هایی که مشکل مشترک قومی دارند در زمینه تبادل اطلاعات در مورد جنبش ها با هم همکاری می کنند و ارتباطات امنیتی خود را در این زمینه به صورت استراتژیک با هم حفظ می کنند. در این باره می توان به توافق نامه ها و همکاری امنیتی ایران و کشور ترکیه اشاره کرد. که هر دو مشکل جنبش های قومی و مذهبی را در داخل کشور دارند و در زمینه دستگیری اعضا این جنبشها و مبادله آنها با هم همکاری داشته و در کشف و خنثی سازی فعالیت فعالین و تشکیلات های سیاسی به همدیگر یاری می رسانند که از جمله آنها، دیپورت رهبر حرکت ملی آذر بایجان جنوبی از ترکیه و بستن تلویزیون ماهواره ای GünAz TV از ماهواره ترک ست را می توان نام برد که دولت ترکیه در برابر گرفتن امتیازاتی نظیر تحویل گرفتن چند تن از اعضای حزب PKK از ایران، تهدید ترکیه توسط ایران به کمک به PKK و علویان و مواردی از این قبیل به چنین عملی تن داد.

رژیم همچنین در داخل و خارج کشور با هزینه سرمایه های هنگفت با کنترل ارتباطات اطلاعات گرانمایی را که در ارتباطات بین فعالین سیاسی مبادله می شود، بدست می آورد و از این اطلاعات در کشف و خنثی سازی فعالیت این جنبش ها بر علیه رژیم و سرکوب آنها استفاده می کند. در این راستا با توجه به تکامل فن آوری ارتباطات، استفاده سازمانهای اطلاعاتی از سامانه های استراق سمع و شنود جایگاه ویژه ای داشته و اطلاعات با ارزشی توسط سازمانهای اطلاعاتی از این روش کسب و مورد بهره برداری قرار می گیرد. حرکت ملی آذربایجان خصوصا از بدو تولد تاکنون مواجه با شنود سامانه های مخابراتی اداره اطلاعات رژیم قرار گرفته که در حال حاضر عمال رژیم استفاده از این روش را در جمع آوری اطلاعات ضروری و مفید به حال خود می دانند که از این اطلاعات راه را برای سرکوب و از بین بردن فعالین حرکت و متلاشی کردن سازمانهای سیاسی موجود در داخل حرکت را هموار می سازد.

موفقیت و شکست، فرد و سازمان در تمام سطوح زندگی سیاسی در رژیمهای توتالیتر منوط به حفاظت از اسرار و اطلاعات سازمان و تشکیلات سیاسی است که برای تغییر این نوع رژیمها فعالیت می کنند. متاسفانه در بین فعالین حرکت ملی استفاده توأم با بی احتیاطی از وسایل ارتباطی مثل تلفن و اینترنت رایج می باشد که این ناشی از نبود آموزش کافی در این مورد توسط افراد متخصص و خبره می باشد که این مورد نیز به نوبه خود ناشی از توده ای بودن حرکت و نبود تشکیلات سیاسی قدرتمند می باشد که باعث ایجاد بستر مناسب برای بهره گیری و استفاده ماموران اطلاعات از اسرار و اطلاعات تشکیلاتها، افراد و گروهها از طریق شنود و نشت اطلاعاتی می گردد.

اطلاعات با توجه نوع فعالیت ها، موقعیت افراد و سازمانها دارای ارزش خیلی زیادی می باشد که طی تلاش و کوشش بی وقفه فعالین حرکت بدست آمده است که بینش و آگاهی و استفاده از ابزار و روشهای مناسب در حفاظت و کاهش ریسک پذیری نشت آنها هزینه بسیار اندکی داشته که مهمترین بخش آن همان آگاهی و دانش افراد و کادرهای سازمانی نسبت به نوع ابزار و روشهای بکار گرفته است. فرد و سازمانی که فعالیت گسترده در سطوح سیاسی و استراتژیک حرکت ملی، در داخل جامعه استبدادی ایران دارد بایستی از قوانین مدرن و دانش نوین مدیریت علمی برای اداره سازمان و تشکیلات خود استفاده کند. در غیر اینصورت باید هزینه و عوارض سنگین و جبران ناپذیری بی اعتنائی به حفظ اسرار و اطلاعات تشکیلات خود را متحمل گردد. شنود ارتباطات و نشت اطلاعات به داخل ارگانهای امنیتی دشمن گاهی خسارت وارده جبران ناپذیر و زوال و نابودی فرد و سازمان قطعی و محرز می باشد. اگرچه تحقیقات نشان داده است تهدید، تضریب و درگیری های فیزیکی، بستن تمام راههای ارتباطی و اطلاعاتی تاثیر موقتی داشته و اینگونه روشها در مهار ناهنجاریها و و تداوم امنیت کار ساز نمی باشد و ایجاد جامعه بسته باعث ایجاد خفقان و اختناق در داخل کشور شده، چنین حرکت های نسنجیده ای زخم های عمیق و ریشه داری در دل اجتماع و بطن مردم ایجاد می کند که غیر قابل التیام و در مان است، ولی نبایستی خوشبینی به این مسئله و فر آیند جهانی شدن ما را از احتیاط واز اتخاذ تدابیری برای حفظ اطلاعات حرکت ملی باز دارد چون رژیم سالاهاست که با پایه های لرزان مشروعیتش هم در داخل و سطح جهانی هنوز هم با دادن باجهای هنگفت به کشورهایی که منفعی از این

رژیم عایدشان می شود، مثل چین و روسیه که مدافعان تاکتیکی جمهوری اسلامی در نظام بین الملل هستند و با ایجاد رعب و وحشت در داخل با استفاده از سیستم میلیتاریستی که دارد مانع از براندازی و فروپاشی حاکمیت خود شده است.

سازمانهای اطلاعاتی (رژیم) و نقش آن

در نقش سرویس های اطلاعاتی برای دو گونه رژیم های دموکراتیک و غیر دموکراتیک باید تفکیک قائل شد. رژیم های دموکراتیک با رویکرد بیرونی به موضوع نگرینسته و جمع آوری اطلاعات را به منظور تهدیداتی که از بیرون و کشور های دیگر متوجه این کشور ها می شود انجام می دهد. در رژیم های توتالیتر رویکرد درونی اتخاذ شده سازمان اطلاعاتی برای کنترل شهروندان بکار می رود که سازمان اطلاعات جمهوری اسلامی ایران نمونه بارز این نوع سرویس های اطلاعاتی می باشد. دخالت در حوزه زندگی خصوصی و عمومی شهروندان، سوء استفاده و باج گیری از آنها به منظور کسب اطلاعات می باشد. این گونه سازمانها حریم مردم را محترم نشمرده، تجاوز به حریم زندگی خصوصی مردم را به منظور کسب اطلاعات سرلوحه برنامه خود قرار داده اند. سازمانهای اطلاعاتی رژیم شامل ارگانهای زیر می باشد:

الف- وزارت اطلاعات و ارگانهای تابعه

ب- حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

ج- حفاظت اطلاعات ارتش

د- حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی

ذ- حفاظت اطلاعات نیروی مقاومت بسیج

ر- اداره حراست کلیه ادارات نهادها و ارگانها

ز- حفاظت اطلاعات قوه قضائیه

س- سازمان بازرسی کل کشور و دفاتر مربوط به آن در کلیه ادارات

تمامی این ها باهم دیگر در ارتباط تنگاتنگ بوده و کنترل و محدودیت شدید در حوزه عمومی و خصوصی زندگی تمام شهروندان دارند. در موارد زیر به برخی از نقش سرویس های اطلاعاتی رژیم در عصر جهانی شدن به منظور تحکیم پایه های حاکمیت اشاره می شود:

۱. جمع آوری، کشف و تحلیل اطلاعات ویژه در ارتباط با دیگر دولت ها به منظور خنثی سازی فعالیت آنها که احتمال لطمه بر ماهیت رژیم حاکم دارد.

۲. کسب اطلاعات در مورد گروههای سیاسی، احزاب و جنبش هایی که گمان بر ارتباط فعالیت آنها با امنیت گروه حاکم می رود.

۳. خنثی کردن و مقابله با فعالیت های جنبش ها توسط گروههای وابسته به حاکمیت.

۴. انجام عملیات های مخفی بر علیه بازیگران و سازمانهای سیاسی که بنحوی در به چالش کشاندن موازنه قدرت تاثیر گذار هستند. که این عملیاتها شامل موارد زیر می باشد:

الف) ارائه اطلاعات محرمانه به رهبران سیاسی کشور و مشاوره به آنها.

ب) تبلیغات منفی بر علیه گروهها مخالف بویژه سازمانهای سیاسی اپوزوسیون به منظور کاهش حمایت توده ها از این گروهها.

ج) نفوذ در سازمانها و احزاب سیاسی که به نوعی در تهدید رژیم نقش دارند.

د) محافظت از قدرت حاکم در برابر کودتا و براندازی گروهها و جنبش های انقلابی.

ذ) ایجاد و تشکیل گروهی از توده مردم با تامین نیاز های مادی آنها موازی با گروهها و سازمان های انقلابی که این گروهها را در زمانی که این جنبش ها در اوج فعالیت هستند و تهدیدی برای موجودیت رژیم محسوب می شوند در تقابل با این جنبش ها قرار دهد و از کاهش انرژی هر دوی آنها در اثر تقابل و جنگ و نزاع با یکدیگر به نفع خود بهره برداری کند. ایجاد گروهی موسوم به جند الله آذربایجان از بسیجیهایی که شستشوی مغزی شده اند برای مقابله با حرکت ملی آذربایجان با چماق و سلاح سرد از جمله این سیاست ها و تدابیر می باشد.

ر) همکاری با سرویسهای اطلاعاتی کشور هایی که با هم توافق نامه های امنیتی دارد. در این باره می توان به همکاری سرویس های اطلاعاتی ایران، آذربایجان شمالی و ترکیه اشاره کرد.

تدابیر ساده برای مقابله با نشست اطلاعات به داخل سازمانهای امنیتی (رژیم ایران از طریق ابزار های

ارتباطی

امنیت ارتباطات یکسری اقدامات و تدابیر عملی به منظور حفظ و نگهداری اطلاعات و اسرار حرکت ملی ، شبکه های ارتباط فردی و تشکیلاتی حرکت ملی از نفوذ سازمان های اطلاعاتی رژیم می باشد. این نفوذ می تواند با استراق سمع ، ورود به E-mail های شخصی افراد و مبارزین سیاسی ، گذاشتن ابزارهای شنود در محل کار و خانه و ... صورت گیرد. در مقابل این مبارزین جنبش ملی آذربایجان جنوبی بایستی به یک سری تدابیر اصولی و امنیتی در هنگام استفاده از وسایل ارتباطی بخصوص تلفن خانگی، موبایل و اینترنت پایبند باشند و با تمرین و ممارست و جدیت آن را جزء وظایف اصلی زندگی خویش قرار دهند تا اینکه از نفوذ و نشست اطلاعات به سازمانهای اطلاعاتی رژیم جلوگیری شود.

در موارد زیر به یکسری مطالب و تهدیدات هر چند ساده ولی مهم در ارتباط با استفاده از تلفن و موبایل اشاره می شود که به شرح زیر می باشد:

الف) تهدیدات در ارتباط با تلفن های خانگی یا با سیم:

هرچند در روش ارتباط با سیم ارتباطات بطور مستقیم برقرار و امکان استراق سمع از طریق گیرنده های رادیویی میسر نیست لیکن امکان قطع ارتباط ، گرفتن انشعاب و نصب فرستنده در مسیر خطوط امکان پذیر می باشد.

در اداره مخابرات هر شهر یک سری اطاق های شنودی مجهز به تجهیزات مدرن برای کسب اطلاعات از حرکت ملی تعبیه شده است تلفن های خانگی تمامی فعالین حرکت ملی که تحت کنترل می باشد. مکالمات آنها توسط افراد متخصص در ۲۴ ساعت شبانه روز ضبط می شود و در اختیار متخصصین تحلیل اطلاعاتی سازمان اطلاعات و امنیت رژیم قرار می گیرد.

در بعضی مواقع قسمت دهنی گوشی تلفن معمولی به منزله یک میکروفن حساس عمل می کند. زمانی که گوشی تلفن در انتظار پاسخ گویی است می تواند امواج و صداها را گرفته و ارسال نماید و از طرفی با مدارات بی سیم ادارات و نهادهای امنیتی رژیم ترکیب می شود. در این حالت ارتباطات راه دور شهری وارد میکروویو شده و ارتباطات به صورت ترکیب بی سیم و باسیم قابل شنود می باشد. در این حالت بهتر است در جلسات مهم سیم تلفن از پریز مربوط به آن کشیده شود.

ب) تهدیدات در ارتباط با بی سیم:

مشکل است که کسی باور نماید یکی از رایج ترین و اسف انگیزترین و در عین حال ساده ترین ابزار و ادوات استراق سمع و شنود مکالمات با تلفن های بی سیم معمولی و موبایل می باشد که در اکثر منازل ، اماکن تجاری ، شرکت های خصوصی و ... از آن استفاده می شود. هر چند که در ظاهر امر نتیجه جز رفاه و آسایش چیز دیگر نیست و استفاده کنندگان از آن که با خوابیدن و قدم زدن و در

نقاط مختلف بدون نیاز به سیم و کابل کشی از آن لذت می برند ولی در طولانی مدت از منفی و مضر بودن آن بدون اطلاع می باشند. علاوه بر عوارض منفی آن بر بهداشت و سلامتی انسان باعث شود مکالمه تلفنی در همسایگان و ادارات به شعاع ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ متر می شود که احتمال دارد در خانه ها و ادارات نزدیک قابل شنود باشد. بهترین راه این است که از خرید این گوشیها خودداری شده و برای مکالمه از این گوشیها استفاده نشود.

باید به این نکته توجه شود سامانه های بی سیمی شامل (گوشی های بی سیمی معمولی تلفن همراه، ارسال فاکس، صوت و تصویر و متن های رایانه ای) که دارای امواج رادیویی می باشد در هوا منتشر می شود توسط گیرنده های قوی قابل دریافت، رهگیری، ردگیری و شنود می باشد.

در زیر برخی اقدامات ضروری در خصوص امنیت ارتباطات اشاره می شود که پایبندی به این اصول ساده و عمل به آنها از اقدامات ضروری در حرکت ملی برای تضمین و افزایش قدرت آن در عصر ارتباطات می باشد:

۱- از بیان اطلاعات حاوی مطالب طبقه بندی شده محرمانه، سری و بکلی سری تشکیلات ها و گروهها در حرکت ملی از طریق وسایل ارتباطی بخصوص تلفن خودداری کنید.

۲- از عنوان نمودن هر گونه اطلاعات و اخبار و اعلامیه ها در رابطه با ماموریت ها، مکان جلسات، مکان ملاقات، آمار و ارقام و شماره تلفن های فعالین حرکت ملی در مکالمات تلفنی خودداری کنید.

۳- از کلمه عبور (Password) انواع E-mail بشدت مراقبت نموده در اختیار کسی حتی نزدیکترین فرد و رفیق خود قرار ندهید و هر چند روز یکبار حداقل هفته ای یک بار کلمه عبور را عوض کنید.

۴- برای درست کردن E-mail از نام و نام خانوادگی واقعی فرد نیابستی استفاده شود و حتی از گذاشتن نام های ترکی برای ID هایی که جنبه حفاظتی امنیتی دارند نباید استفاده گردد تا اینکه موجب جلب توجه ماموران کنترل کننده نشود.

۵- از دادن E-mail خود در اختیار افراد زیاد خودداری کنید و در فرستادن مطالب یا پیام های محرمانه بایستی یک پست الکترونیکی بین دو نفر تعریف شود و از نوشتن جزئیات اطلاعات و اخبار در آن خودداری شود.

۶- برای فرستادن پیام از تلفن خانگی برای وصل شدن به شبکه اینترنت استفاده نکنید.

۷- از به کار بردن کلمه عبور کوچک و مشخص بخصوص تاریخ تولد، شماره شناسنامه، محل تولد و حاوی مطالبی که هویت فرد با آن مشخص می شود و همچنین تاریخ یکی از مناسبات ها و ... بعنوان کلمه عبور در پست الکترونیکی خودداری شود.

۸- به منظور جلوگیری از نشت اطلاعات در اینترنت و شنود هنگام کار با وسایل ارتباطی مثل تلفن و اینترنت پیامها و مکالمات بایستی به اختصار و با پرده پوشی بیان شود.

۹- از سیستم ملاقات حضوری برای رساندن پیام شفاهی بعنوان بهتری روش ارتباطی برای سازمان هایی که پنهان کاری را به عنوان اصول فعالیت خود برگزیده اند استفاده شود.

۱۰- از بکاربردن تلفن همراه در جلسات، میتینگ ها، برنامه ها و تجمعات خودداری کنید و در هنگام سفر بین شهری گوشی موبایل را به همراه نداشته باشید چون با ردیابی ورهگیری امواج موقعیت فرد از لحاظ زمانی و مکانی به خوبی می تواند شناسایی کنند.

۱۱- از سیستم فاکس به علت رهگیری و ردیابی امواج برای ارسال نامه ها و پیام ها استفاده نکنید.

۱۲- از چت کردن با افراد ناشناس که خود را به عنوان فعال حرکت ملی معرفی می کنند خودداری کنید.

۱۳- از بیان اختلافات عریان شخصی در مکالمات تلفنی و اینترنت خودداری کنید که منجر به سوء استفاده مامورین امنیتی نشود.

۱۴- از ذخیره کردن شماره تلفن های افراد در گوشی های تلفن موبایل و خانگی خودداری کنید که این مسئله باعث کشف ارتباطات در حرکت ملی بین افراد شده و زمینه را برای شناسایی گروهها، افراد و ارتباط متقابل آنها فراهم می سازد.

موارد زیر به یک سری اصول ساده و مهم برای مقابله با شگرد ها و ترفندها مامورین امنیتی رژیم برای تخلیه اطلاعاتی اشاره دارد که می تواند در جای خود مفید و موثر باشد:

الف- اولین و مهمترین اقدام دشمن به منظور تخلیه تلفنی شناسایی و بدست آوردن شماره تلفن های فعالین حرکت ملی می باشد بایستی از دادن شماره تلفن های افراد به افراد ناشناس خودداری کنید.

ب- مکالمه بر اساس باب میل فرد صحبت کننده ، وارد شدن از باب رفاقت و نزدیک شدن به خاطر ایجاد دوستی و برخورد عاطفی با فرد مخاطب به منظور جلب اعتماد او از شگردهای مامورین امنیتی می باشد در این مورد بایستی جدیت به خرج داد چنین افرادی را از خود دور نمود و از پر حرفی و صمیمیت با چنین افرادی خودداری کرد.

ج- کنجکاوای زیاد درباره حرکت ملی و طرح سئوالات مداوم برای بدست آوردن اطلاعات در مورد حرکت ملی یکی از خصوصیات چنین افراد می باشد. در این مورد بایستی پاسخ سئوالات فقط نمی دانم باشد که بهترین جواب برای ارائه کنندگان چنین سئوالاتی می باشد.

د- تهدید تلفنی به منظور همکاری با آنها، در این مورد بایستی به خود ترس راه نداد و با داشتن روحیه و اعتماد بنفس قوی به خواست های آنها جواب منفی داد.

ذ- به دلیل نامحسوس بودن ، استراق سمع در شبکه های تلفنی باید کلیه شبکه ها تحت شنود مامورین رژیم فرض شود و در تمام مکالمات بایستی اصول ایمنی گفتار رعایت شود.

ر- یکی دیگر از ترفندهای باج خواهی از طریق سو استفاده از مسائل خانوادگی می باشد. لذا بایستی از مکالمه تلفنی درباره مسائل حاد خانوادگی که جنبه سوء استفاده برای مامورین امنیتی داشته باشد خودداری کنید.

س- در مصاحبه با روزنامه ها و خبرگزاری ها رادیوها و تلویزیون ها و مصاحبه اینترنتی در مورد مسائلی که با مسئله ملی آذربایجان جنوبی مرتبط است کلی گویی بهترین روش می باشد و از گفتن جزئیات بپرهیزید.

با توسعه سریع روند جهانی شدن و انقلاب جهانی ارتباطات رژیم کلیه امکانات و منابع ملی و انسانی خود را برای مقابله با این پروسه جهانی بسیج می کند تا اینکه عمر حاکمیت خود را در برابر انفجار جهانی اطلاعات که منجر به آگاهی توده های ستم دیده می شود بالا ببرد. اگرچه جهانی شدن به فرآیند توسعه جنبش های قومی کمک می کند ولی در مقابل آن اعمال کنترلی رژیم نیز بر این حرکت های ملی افزایش می یابد. مامورین اطلاعاتی رژیم از روش کنترل ارتباطات به علت هزینه کم و انتقال سریع اطلاعات و همچنین استفاده آسان نهایت استفاده را به نفع ماندگاری این حاکمیت توتالیتیر می کند. با توجه به این یکی از علل مهم توسعه حرکت ملی آذربایجان در این عصر جهانی شدن رعایت اصول ایمنی در ارتباطات (تلفن، اینترنت، فاکس، SMS و E-Mail) که همه تحت کنترل مامورین امنیتی رژیم قرار دارند می باشد. در عصر ارتباطات با تکیه بر این اصول ساده ولی خیلی مهم می توان از نشت اطلاعات که رژیم از آن برای سرکوب و محو گروهها و تشکیلات ها بهره می برد به داخل سازمانهای جاسوسی و اطلاعاتی جلوگیری کرد.

نتیجه گیری

با کوچک شدن جهان و انقلاب تکنولوژیک در عرصه ارتباطات و اطلاعات بطور کلی مکانیزه شدن جهان و جهانگیر شدن فرهنگ تکنولوژیک، منشاء های سنتی مشروعیت اعم از ایدئولوژیک و عینی زیر سؤال می روند ایدئولوژی های مطلق که برجسته ترین سرلوحه سیاست جهانی پس از جنگ جهانی اول بویژه در سالهای جنگ سرد از جنگ جهانی دوم به این سو بودند و اصل حاکمیت و قدرت حاکم که فرادست هر قدرت دیگری انگاشته می شد، همه این مفاهیم و کاربست ها با توسعه روزمره انقلاب جهانی ارتباطات و اطلاعات به تاریخ خواهد پیوست. جهانی شدن ارتباطات و مدرنیته منجر به بر افتادن توتالیتیرسم سیاسی شده و بر بین المللی شدن

فزاینده جهان می افزاید. دیگر زمان آنکه قدرت سیاسی در دولتی واحد به منزله کانون یا هسته ای باشد که دیگر اجزای سلول آن بر محور آن بگردند سپری شده است. چون تغییرات اجتماعی با فرآیند جهانی شدن با همه تضادها و افت و خیزهایش پرشتابتر و بنیادی تر شده که منجر به سلب قدرت از این دولت ها و ایجاد قدرت جدید جهانی با آرایش جدید شده است.

انقلاب ارتباطات و اطلاعات جهانی با رشد فزاینده ای که در طول تاریخ داشته است باعث بر افتادن کشور های توتالیتر که دارای حاکمیت مطلقه هستند شده است این روند جهانی باعث فروپاشی کشور های چند ملیتی و که قوم حاکم بقیه ملل داخل مرزها را تحت استعمار و استثمار خود قرار داده، می شود و نظم کنونی این کشور ها را از چند ملیتی به تک ملیتی تغییر خواهد داد. که فرو پاشی شوروی سابق، یوگسلاوی سابق و چکسلواکی سابق نمونه بارز این ادعا می باشد. در کشور های چند ملیتی غیر دموکراتیک جنبش های آزادیبخش و دموکراتیک مردمی در حال گسترش می باشند. فرآیندی که در جهان آن را بین المللی شدن جهان می نامیم به معنی این است که از اقتدار گذشته دولت ها دیگر کاسته شده است. یعنی در شرایطی که دولت های توتالیتر که حقوق بشر را نقض می کنند و جنبش های مردمی و دموکراتیک از حمایت سازمانهای بین المللی مثل شورای حقوق بشر سازمان ملل و عفو بین الملل برخوردار است که این ناشی از تاثیر نظام بین الملل بر دموکراتیزه کردن جوامع موجود در دنیا و ترغیب هویت خواهی قومی است و از نقش ارتباطات و شبکه های خبری است که جامعه بین الملل را در جریان این وقایع قرار می دهد. تشکیل و گسترش فعالیت سازمان بین المللی UNPO نشان از جهانی شدن جنبش های هویت خواه قومی یا ملیتی می باشد که باعث تعامل و همکاری بیشتر جنبش هایی که از این نوع هستند، در جهان شده و در صورت لزوم از تجربیات همدیگر استفاده نموده و همدیگر و جامعه بین الملل را با شرح وقایع و وضعیت ملت خود آشنا ساخته و همدیگر را برای رسیدن به اهداف خود که در چهار چوب اصل حق تعیین سرنوشت می باشد، یاری می رسانند. رژیم توتالیتر جمهوری اسلامی که با ایدئولوژی حاکم خود تمام منابع خود را برای تامین منافع قوم حاکم یعنی فارس بسیج کرده است شوک قریب الوقوع استقلال ملیت های استعمار شده داخل مرزهای کشور را بشدت حس نموده و در نتیجه آن اقدامات کنترلی شدیدی را بر روی مبارزین حرکت ملی آذر بایجان اعمال کرده است که کنترل ابزارهای ارتباطی و اطلاعاتی که در مطالب فوق به آنها اشاره شد از جمله آنهاست که این نیز به نوبه خود در تلفیق با بی تجربگی و ضعف فعالین حرکت ملی و گروهها و تشکیلات های موجود در آن، تخریبات و اقدامات نسنجیده عناصری به نام دلانان حرکت ملی که با فرا تشکیلاتی خواندن خود و نداشتن درک و فهم صحیح از مبارزه ملی و موانعی که بر سر راه توسعه تشکیلات های سیاسی ایجاد کرده اند هزینه های هنگفتی را در طول تاریخ بر حرکت ملی آذربایجان تحمیل کرده است.

مبارزین و تشکیلات های موجود در حرکت بایستی رویکرد عقلانی را با در نظر گرفتن واقعیت های جامعه و توانایی دشمن در شیوه های مبارزه اتخاذ کنند. محاسبات غلط ممکن است مخاطراتی را بوجود آورد یعنی محاسبه توانایی هایی خودی به نحوی که بیش از توانایی های حقیقی جلوه کند و ارزش گذاردن به فرضیاتی که بنیان مطمئنی ندارند از خطاهای متداول می باشد. بها دادن به اخبار و اطلاعات مثبت که از واقعیات جامعه آذربایجان جنوبی و از تحرک، فعالیت و توانایی های دشمن خبر می دهند و پرهیز از خود بزرگ بینی، تخیل و رمانتیزم در حرکت ملی از ارکان اصلی پیشبرد مبارزه به سوی اهداف واقعی می باشد. وجود اختلاف بین اهداف و ابزار یعنی منابع موجود، مخاطراتی را بوجود می آورد که بندرت قابل ارزیابی می باشند حرکت ملی دارای اهداف بزرگ و نامحدود می باشد ولی دارای منابع و قدرت محدودی برای رسیدن به این اهداف را دارد، بایستی با شیوه استفاده صحیح از این منابع محدود آنها را بتدریج با بهره گیری از فرصت های زمانی و مکانی برای رسیدن به این اهداف بسیج کرد.

آگاهی و شناخت روشهای اطلاعاتی برای حفاظت اطلاعات و اسرار حرکت ملی با توجه عادت های عقلی و نیز تکیه مطلق نکردن بر تعصبات و تجربه های فردی زیرا هر فرد و برآورد کننده بنا به شرایط اسیر تجربیات و جهت گیری های خویش است از اصول مهم و ضروری برای جلوگیری از ترفندهای دشمن برای سرکوب حرکت ملی می باشد. حفاظت اسرار و اطلاعات در حرکت ملی بمعنای خنثی

سازی فعالیت های اطلاعاتی و جاسوسی رژیم که بر علیه این جنبش ملی ترتیب داده می شود. حفاظت اسرار در حرکت بطور معمول دو نیاز را برآورد می کند:

۱- حفاظت فیزیکی فعالین و اعضا گروهها و تشکیلاتهای حرکت ملی در برابر تهدیدها، شکنجه ها و ...

۲- حراست و حفاظت از شیوه ها و تاکتیکهای مبارزاتی گروهها و تشکیلاتها در حرکت ملی

شکی نیست که حرکت ملی آذربایجان جنوبی با تاثیر پذیری از فرآیند جهانی ارتباطات که منجر به مبادلات اطلاعات بین جوامع مختلف و اعضای بشر در جهان می شود مرزهای ملی و فرا ملی را در نوردیده است و دارای قابلیت های بسیاری برای شکل دادن علائق، نگرش های مثبت توده مردم بر فعالین و اهداف حرکت ملی و بسیج توده مردم آذربایجان جنوبی، برای مقابله با سلطه نئوستعماری رژیم شورونستی می باشد. منافع ملی مردم آذربایجان جنوبی است که پدید آورنده الزام و تعهد در فعالین و تشکیلاتها و گروهها در حرکت ملی می باشد. اتخاذ هرگونه رهیافت عقلانی در حرکت ملی منوط به وجود و پذیرش این پیش فرض است که منافع و اهداف حرکت یک نمود عینی می باشد نه یک نمود ذهنی. نمود عینی با واقعیت های جامعه آذربایجان جنوبی و شرایط جهانی تاثیر گذار بر حرکت ملی سازگار می باشد که بایستی اعمال و شیوه های مبارزه و افکار موجود در بین تشکیلاتها و مبارزین با توجه به این نمود عینی هدایت شود. فرایند توسعه حرکت تابع دو عامل بیرونی و درونی می باشد. نیروهای بیرونی شامل عناصر جهانی و سازمانهای بین المللی هستند. عوامل درونی هم شامل تحولات عمیق اجتماعی مثل تحولات فکری و آگاهی در جامعه آذر بایجان می باشد که هر دو متقابلا تحت تاثیر همدیگر قرار دارند. با توجه به مطالب فوق حرکت ملی و بدنه فعال آن که شامل گروهها و تشکیلات ها و فعالین است با تکیه بر دو رویکرد بیرونی و درونی نیازمند توافق بر سر یک سری اصول کلی در جهت منافع حرکت ملی و پایبندی به آن می باشند تا اینکه با بهره گیری از ابزارهای و فرصت های ارتباطات جهانی بتوانند آگاهی در باره حرکت ملی و اهداف مبارزه آن را در بطن جامعه استعمارزده آذربایجان جنوبی تزریق کرده و مشارکت بدنه فعال جامعه که جوانان و تحصیلکردگان می باشد در حرکت ملی را فرا هم آورد. این به نوبه خود می تواند عاملی مهم در عصر ارتباطات و جهانی شدن برای تسریع، ترسیم و حتی تثبیت وضعیت آینده آذربایجان جنوبی قلمداد گردد.

منابع مورد استفاده

۱. ترکی حمد. فرهنگ بومی و چاش های جهانی. ترجمه آموزگار ماهر. ۱۳۸۳. انتشارات مرکز.
۲. احمدی، یعقوب. ۱۳۸۵. سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی و دموکراسی. اطلاعات اقتصادی و سیاسی شماره ۹ و ۱۰.
۳. دیوید هلد و آنتونی مک گرو، جهانی شدن و مخالفان آن، ترجمه ثابتی عرفان. ۱۳۸۲. انتشارات ققنوس.
۴. تیموئی. دی سیسک. تقسیم قدرت و میانجی گری بین المللی در منازعات قومی. ترجمه عطار زاده مجتبی. ۱۳۷۹. انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
۵. پایان نامه دکترای جامعه شناسی: جهانی شدن، ملیت و هویت قومی در قوم آذری، نگارش: ایرج ساعی ارسلی، تهران- ۱۳۸۵

۶. Anthony D. Smith, "The ethnic source of nationalism" In Michael Brown (ed), *Ethnic and international security* (USA princeton university press ۱۹۹۳).

۷. David J. Elkins, "Globalization, telecommunication and virtual ethnic communities" *International political science review*, vol. ۱۸, NO ۲. (۱۹۹۷).

٨ . Mowlana hamid and Elizabeth Robinsons, “ Ethnic mobilization and communication theory”
In A. A. Said and L. R. Simmons (eds) *Ethnicity in a international context* (New Brunswick, NJ,
Transaction Books ١٩٧٩).

٩. <http://www.Gamoh.info>

١٠. <http://www.sociologyofiran.com>

١١. <http://www.unpo.org>

١٢.<http://www.state.gov>